



نفسه اخوان نیلچی  
 ه دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی  
 ه همکار در مرکز مطالعات آمریکا

## مرگ خانواده و افول تمدن غرب

### چکیده

در ساختارهای اجتماعی، خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی با کارکردهای ویژه شناخته می‌شود. در سطحی فراتر، خانواده نقش محوری در بخش نرم‌افزاری تمدن‌ها ایفا می‌کند و از جایگاه راهبردی و اثرگذار در ظهور و سقوط تمدن‌ها برخوردار است. با بررسی تمدن غرب برگرفته از مبانی فکری اومانسیم، فردگرایی و سیر تطورات خانواده در غرب، مشاهده می‌شود که خانواده به سمت اضمحلال و مرگ، پیش رفته است. تبعات مرگ خانواده در سه لایه کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت، قابل بررسی است که در لایه بلندمدت، به نابودی و افول تمدن می‌انجامد.

### وضعیت خانواده در غرب

تمدن غرب را همانند سایر تمدن‌ها، می‌توان دارای پنج ستون اصلی حکومت مرکزی، دین، ساختارهای اجتماعی، ارتباطات، مکتوبات، هنر و ابداعات دانست. در ساختارهای اجتماعی،

خانواده هم یک نهاد اجتماعی سنتی بوده و هم جزء گروه‌های اولیه است. به تعبیر دقیق‌تر، تمدن‌ها دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارند؛ که در بخش نرم‌افزاری، خانواده نقش محوری را ایفا می‌کند. در این نگاه، خانواده جایگاه راهبردی در ظهور و سقوط تمدن‌ها خواهد داشت. کارکرد اصلی خانواده، تنظیم رفتار جنسی و تولیدمثل، اجتماعی کردن، محافظت، حمایت عاطفی و اعطای منزلت اجتماعی است.<sup>۱</sup> با مطالعه وضعیت خانواده در غرب، آشکار می‌شود که با غفلت از جایگاه راهبردی خانواده و با بی‌اعتنایی به امتیازات و کارکردهای سنتی و قانونی آن، در نظر گرفتن تنها رضایت طرفین در امر ازدواج (دو طرف ازدواج، می‌توانند هم جنس نیز باشند)، ترغیب به ارضای جنسی و عاطفی بدون ازدواج رسمی و گسترش فردگرایی و لذت‌گرایی؛ الگوهای ثابت خانواده گسترده، دستخوش تغییر گردیده و شکل‌های جدیدی با نام خانواده، ایجاد

۱. متا، اسپنسر (۱۳۸۳) جایگاه خانواده در غرب، ترجمه مهدی محمدی حسن یوسف زاده، مجله معرفت، شماره ۸۰

است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام، این‌گونه خواسته است که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد نه فرد تنها<sup>۲</sup>. در این رویکرد، کوچک‌تر از واحد خانواده در اجتماع وجود ندارد؛ برخلاف رویکرد اصالت فرد و اصالت جمع؛ هم فرد، هم خانواده و هم اجتماع، دارای اصالت بوده و خانواده، رابط میان فرد و اجتماع است و ارتباط مجزا میان فرد و جامعه معنا ندارد. نسبت میان سلول و پیکر، نسبت میان یک جزء بسیار اساسی با یک کل است نه جزئی که بتوان نبود آن را تصور کرد.<sup>۳</sup> بر این اساس در جامعه‌ای که خانواده نابود شده باشد، افراد و جامعه نیز به‌طور قطع، از بین خواهند رفت، هرچند در سایر ابعاد تمدنی به توسعه رسیده باشند. «امروزه یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌ها و افزایش فرزندان بی‌هویت است. این موارد، گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به مرور پیش می‌آید.

و کارکردهای آن به شکل‌های مختلف توسط نهادها و مؤسسات دیگر انجام می‌شود. غرب لیبرال با منشأ تفکری اصالت فرد، خانواده را به صورت حداقلی، تقلیل داد و کم‌کم مسیر نابودی خانواده را در پیش گرفت و با نشناختن جایگاه راهبردی خانواده، زوال خویش را رقم زد.

### جایگاه راهبردی خانواده و نقش آن در تمدن

خانواده‌گرایی در برابر رویکردهای ناقص فردگرایی لیبرالیسم و جامعه‌گرایی سوسیالیسم، خانواده را پایه و سلول اصلی جامعه می‌داند و آن را نه تنها قراردادی صرف در جامعه که می‌تواند کارکردهایش را به سایر مؤسسات بسپارد، بلکه سلول اصلی جامعه و تمدن بشری قلمداد می‌کند. در این رویکرد، خانواده نهادی اثرگذار و رشد دهنده جامعه و آینده تمدن‌ها است. در حقیقت، جامعه مجموعه‌ای از خانواده‌ها است؛ «آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست و مانند یک موجود بیگانه

شده است. بر مبنای فردگرایی، همه چیز بر مبنای فرد و خواسته او، معنا می‌یابد و هیچ انگیزه نیرومندتری در زندگی آنان وجود ندارد. این شیوه تفکر تنها در میان عموم مردم رایج نشد، بلکه دولتمردان و سیاست‌گذاران نیز بر مبنای این تفکر، قوانین را تغییر داده و به تدوین قوانین ضد خانواده مبادرت ورزیدند. از جمله این قوانین: زوج‌هایی که بدون ازدواج، با هم زندگی می‌کنند، همان مالیاتی را می‌پردازند که زوج‌های ازدواج کرده می‌پردازند، مزایای رفاه را از متأهلان دریغ می‌کنند، به هم‌جنس‌بازان همان مزایا و موقعیت افراد متأهل اعطا می‌شود، به زنان جوان برای زایمان و نگهداری از کودکان نامشروع یارانه می‌پردازند، از یکی از دو زوج غیر پایبند به ازدواج - که به دنبال طلاق بی‌تقصیر است - حق گرفتن نیمی از دارایی‌های زناشویی از شریک پایبند به زناشویی را می‌دهند.<sup>۱</sup> این روند تا آنجا پیش رفت که می‌توان عنوان داشت، خانواده اصیل در غرب، تقریباً هیچ جایگاهی ندارد

۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۰/۵ / ۱۳۷۵، خطبه‌ی عقد

۳. صابری، زهرا (۱۳۹۶)، بررسی مفهوم و جایگاه خانواده در تمدن اسلام و تمدن غرب و پیامدهای راهبردی آن، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد

۱. عربیان، نسرتین (۱۳۸۸) خانواده در غرب و مقایسه آن با اسلام، فرهنگ پژوهش شماره ۵

غرب از همین نقطه، سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پرزرق و برق از همین نقطه، فرو خواهد ریخت.<sup>۱</sup> «از بزرگ‌ترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آن‌ها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسئله خانواده است.»<sup>۲</sup> «میشل نوک»<sup>۳</sup>، مفسر اجتماعی می‌گوید: «قانون فراموش نشدنی‌ای که از خلال هزاران سال بی‌عدالتی و تحمل رنج و مصیبت، به دست می‌آید، این است که اگر امور خانواده مطلوب باشد، زندگی با ارزش است و هنگامی که بنیان خانواده دچار تزلزل شود، زندگی نیز از هم فرومی‌پاشد و حیات بی‌معنا می‌شود.»<sup>۴</sup>

### سیر تطور خانواده در غرب و پیامدهای آن

در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، همچنان خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در غرب، محسوب می‌شد

۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۴/۲۱) بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی  
۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۷/۳۰) بیانات در دیدار جمعی از زنان

3. Michael Novak

۴. کریبی اندرسون، افول ملت‌ها، بازتاب اندیشه ۱۳۸۳ شماره ۵۰

اما کم‌کم با گسترش تفکرات فردگرایانه، جایگاه خانواده نیز منززل گردید. فردگرایی یا اصالت فرد، از خلال مبانی‌ای چون اصالت انسان یا اومانیزم، به وجود آمده است. فردگرایی بر اهمیت فرد و منافع فردی، تأکید ویژه‌ای دارد، لذا پذیرش خانواده و وجود روابط سلسله مراتبی در خانواده را بر نمی‌تابد. به‌طور دقیق‌تر، فردگرایی زنان در قالب جنبش‌های زنان، نمود یافته است. در واقع، تحولات فکری و فرهنگی در غرب، برگرفته از مبانی فکری فردگرایی و ترویج انقلاب جنسی بوده که به مرگ خانواده در جامعه، منجر شده است.<sup>۵</sup> نکته مهم این است که مرگ خانواده، چه تبعاتی برای جامعه غربی به دنبال خواهد داشت؟ برای فهم بهتر تبعات مرگ خانواده، نیاز است تا در سه لایه، این تبعات بررسی شود تا آثار و پیامدهای آن به صورت جامع و کلان سنجیده شود. در لایه اول یا تبعات کوتاه‌مدت، همان کارکردهای خانواده که اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی بر

۵. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به Elizabeth Fox - gelove and et.al Women and the Future of the Family (۲۰۰۲).

آن توافق دارند، دستخوش تغییر می‌گردد یا به فراموشی سپرده می‌شود و توسط سایر نهادها به صورت تقلیل یافته انجام می‌پذیرد. در واقع، در چنین فضایی، کارکرد اصلی خانواده، تنظیم رفتار جنسی و تولیدمثل، اجتماعی کردن، محافظت، حمایت عاطفی و اعطای منزلت اجتماعی تحقق نمی‌یابد. این کمبود در جامعه، تبعات بسیار زیادی خواهد داشت، از جمله از بین رفتن امنیت فردی و اجتماعی و افزایش تجاوزها، رواج افسردگی و پوچ‌گرایی، افزایش خشونت و از بین رفتن آسایش افراد که در لایه اول یا ظاهری جامعه، قابل مشاهده و سنجش است. در لایه بعدی یا تبعات میان‌مدت، می‌توان به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، تربیتی، فرهنگی و امنیتی، اشاره کرد که به تبعیت از لایه اول، به‌مرور زمان به وجود می‌آید. کارل ویلسون<sup>۶</sup> در کتاب خود به نام «رقص و شادی ما به مرگ و نیستی تبدیل شده است»<sup>۷</sup>، خصوصیات مشترک افول خانواده در یونان باستان و

6. Carl Wilson

7. Our Dance Has Turned to Death

امپراتوری روم را در هفت مرحله برمی شمرد؛ در مراحل اولیه، به لایه ظاهری اشاره دارد<sup>۱</sup> و در مراحل پنجم، ششم و هفتم، به پیامدها در لایه بعدی که تبعات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی است، اشاره می کند. «در مرحله پنجم، زنان با شوهران خود برای کسب پول، رهبری کانون خانواده و تأثیر بیشتر بر فرزندان، به رقابت برمی خیزند که این رقابت به خصومت، سرخوردگی و هم جنس گرایی احتمالی در فرزندان منجر می شود و همچنین، سبب طلاق و جدایی بسیاری از ازدواج ها می گردد. شمار فرزندان ناخواسته، سقط شده، رها شده،

<sup>۱</sup> در اولین مرحله، مرد خانواده، مانند سابق، پیشاپیش اعضای خانواده، راهنمای آن ها در انجام اعمال مذهبی نیست. پیشرفت اخلاقی و معنوی اعضای خانواده در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد و دیدگاه آن ها نسبت به خداوند، مبتنی بر اصول طبیعی، فنی و ریاضی می گردد. در مرحله دوم، ارزش های مادی اندک اندک بر افکار و اندیشه ها سایه می افکند و مرد خانواده تلاش می کند تا نقش خویش را به عنوان یک فرد، بالا برد و برجسته نشان دهد. تغییر در ارزش های جنسی مردان، آغاز سومین مرحله از مراحل افول خانواده است. مردان درگیر کار و رقابت اقتصادی شده اند و نیازهای جنسی همسرانشان را مهمل می گذارند یا با زنان متعلق به طبقات پایین جامعه رابطه برقرار کرده اند و به هم جنس بازی گرفتار شده اند و سرانجام، معیارهای اخلاقی دوگانه ای شکل می گیرد. در مرحله چهارم، زنان تحت تأثیر قرار می گیرند و ارزش و موقعیت آن ها در خانواده و در تعامل با فرزندان، دچار افت شدیدی می شود؛ مورد غفلت واقع می شوند و از ارزش و شخصیت می افتند؛ در راه دست یابی به رفاه مادی و آزادی های جنسی فراتر از پیوند زناشویی، برای هر مسئله کوچکی، مشکل تراشی می کنند؛ سعی می کنند روابط جنسی منجر به حاملگی را به حداقل برسانند و تأکیدشان بر این است که روابط جنسی باید فقط برای لذت باشد، همین طور قوانین ازدواج به سمتی پیش می رود که طلاق را هرچه آسان تر نماید.

هتک حرمت شده و تربیت نشده، افزایش می یابد و این افزایش، موجب ازدیاد فشار اجتماعی برای جلوگیری از بچه دار شدن می شود. لذا کانون خانواده از هم می پاشد و به تبع آن، جامعه دچار هرج و مرج می گردد. در ششمین مرحله از افول خانواده، جامعه را به گروه های کوچک و کوچک تری تقسیم می کند و این تعارضات درونی، موجب ضعف جامعه می گردد. کاهش میزان مولید، موجب شکل گیری جامعه ای با افراد مسن می شود که توانایی کم تری برای دفاع از خویش دارند؛ لذا، ملت در مقابل دشمنان آسیب پذیرتر می گردد. سرانجام و در آخرین مرحله، بی اعتقادی به اوج خود می رسد، اقتدار والدین کاهش می یابد و اصول اخلاقی از میان می رود و در نتیجه، اقتصاد و حکومت، تحت تأثیر قرار می گیرد و ضعف ناشی از آن و عدم یکپارچگی، سبب فروپاشی جامعه می گردد.<sup>۲</sup> در نهایت و در لایه های عمیق تر یا تبعات بلندمدت، نابودی یک فرهنگ و یک تمدن را می توان

انتظار کشید. همان گونه که مقام معظم رهبری می فرماید: «دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می کند و با وعده های توهم آمیز، بیرون می کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه جامعه، بی پناه و بی دفاع می کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می کند، هم زن را تضعیف کرده، هم خانواده را نابود می کند و هم نسل های آینده را به خطر می اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، فاجعه ایجاد می کند و این امر، امروزه در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه روز نیز بیشتر می شود. این امر، از آن سیل های خطرناکی است که آثار تخریبی اش در بلندمدت ظاهر می شود که بنای تمدن غرب را نیز در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت.»<sup>۳</sup>

کری اندرسون، افول ملت ها، بازتاب اندیشه، شماره ۵۰، ۱۳۸۳

<sup>۳</sup> حسینی خامنه ای، سید علی ۵/۵/۱۳۸۴ بیانات در دیدار جمعی از مداحان